

ترانه تمام عزیز با سلام و احوال . این نامه را فطری دقت پس بدید می فرستم . در جواب

نامه مرا با محبت و ملاحظاتی که بین رویه . اما تا زمانیکه به علت اوضاع احوال روحی خاصی که

داشتیم ( در هنریم کم و بیش گرفتاران هستیم ) نتوانستیم زودتر جواب بفرستیم و کار را خنجر به درازا کشید

به هر حال از نامه شما صمیمانه و درشتن دوستانتان شنیدیم آنچه برایم فرستاده بودید از همه استقامت

فراتر بود . همیشه که در نامه‌تان بدر میزدیم کرد خوشحال شدم که اطلاعاتی حدی حال

از خردتان نداده ایم . گذشته‌تان را مثل یک دوست برایم تشریف آورده‌اید و این برای من

خوبی از گذشته است . از این که مراد الله ربیع خداوند دالته آید میفرستم ، مایگی دوباره بیشتر به درازا

نرسیده ایم . باید از فردا به رسم محبت این صمیمیت دلالت هر برای شما چیست ؟ خیر چندی ،

دلیلی برای این همه نزدیکی و گرگلی شما نمی بینم . در هر حال عزیزم میفرستم .

تأسیسات کارگشایی برین اعتمادی و این از دست کارزارید بکلیه کارگر که استم چون

کارفرین منبر . از شکریم به شما که خبری نیست . به شما که اهلک بطلت و کت می کنم

ندلا دلم به فداست های که ما زین و ما می در زمینیم تر هم در کما می می گفته خوش است . زین

بدی است ایستایی می خواند و عشق و ملامت خردان . و شروع کرده است به ترجمه از این

نویس . البته هنر زنده کار است اما من با داد امید ما استقام . خلی دلم می فرست

نارنج شکر سرد را آرام داده بود اما عاقلانم ادب شعر نگار کرده است حال

بیشتر بیدار این سببی جانم از آن برای من حلی شده است.

شعری را که لطف کرده اند و وقت که اینم میفرستم بریم به حیثه اما هریم شکریم من

از سینه شعر حیثه دل خوبی نداری بگفته داشته ام که جاسی مناسبی برای آن پیدا کنم و بریم

جواب کنه البته اگر خودتک مرانی همیشه

برای آن ارزوی حرفت دارم نارنجی درونی در حال سده مثل برای

شما دارند

نارنج  
۲۲۰ - ۷۳۱۲۳۰